

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

دهمین پنل از مجموعه پنل‌های تخصصی میز

جذب دانشجو در آموزش عالی غیر انتفاعی

پژوهشگر ارائه کننده بحث در این پنل

اکبر گل‌دسته

دبیر میز آینده پژوهی:

مقصود فراستخواه

دستیار دبیر:

حسین سمیعی

پنل: شماره ۵۵

پاییز ۱۳۹۴



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

دهمین پنل از مجموعه پنل های تخصصی میز

جذب دانشجو در آموزش عالی غیر انتفاعی

پژوهشگر ارائه کننده بحث در این پنل : اکبر گلدسته

دبیر میز آینده پژوهی:

مقصود فراستخواه

دستیار دبیر:

حسین سمیعی

پاییز ۱۳۹۴



شناسه گزارش

شماره گزارش: گزارش ۱۰

اعضای پنل:

دکتر نسرين نورشاهی (رئیس موسسه)، دکتر رضا منیعی (معاون پژوهشی موسسه)؛ دکتر غلامرضا ذاکر صالحی (عضو هیات علمی موسسه)؛ دکتر احسان جمالی (معاون فنی و آماری سازمان سنجش آموزش کشور)؛ دکتر هادی رزاق مرندی (مدیر دفتر برنامه ریزی و ارزیابی دانشگاه مفید)؛ معصومه قارون (معاون اجرایی موسسه)، دکتر نادر جعفری (مدیر طرح و برنامه دانشگاه امام صادق)، دکتر کارن ابری نیا (مدیر کل دفتر آموزش عالی غیر دولتی)، دکتر علی آهون منش (دبیر کل و رئیس شورای مرکز اتحادیه موسسات آموزش عالی غیردولتی)، دکتر شاهین همایون آریا (معاون دفتر گسترش و برنامه ریزی آموزش عالی)، دکتر فاطمه اسدی (عضو هیات علمی وزارت علوم)، دکتر اکبر گلدسته (عضو هیات علمی دانشکده علوم پایه دانشگاه علم و فرهنگ)، دکتر علیرضا اسدی (عضو هیات علمی و پژوهشگر آینده پژوهی)؛ دکتر کاوس حیدری (عضو هیات علمی و پژوهشگر آینده پژوهی)؛ دکتر علی رضا همتی (عضو هیات علمی و پژوهشگر آینده پژوهی)؛ اسماعیل رحیمی (پژوهشگر آینده پژوهی)؛ دکتر مقصود فراستخواه (دبیر میز)؛ حسین سمیعی (کارشناس مسئول میز آینده پژوهی)، مژگان مهرپرور (کارشناس مسئول پژوهشی).

همکار تدوین گزارش:

سمیه اشراقی

عنوان گزارش:

سناریوهای جذب دانشجو در آموزش عالی غیر انتفاعی

ارائه بحث : اکبر گلدسته

تاریخ برگزاری پنل:

دوشنبه - ۱۳۹۴/۸/۲۵

مکان برگزاری پنل:

موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.

مدیریت پنل و دبیر میز:

مقصود فراستخواه

همکار علمی در تدوین مباحث پنل:

حسین سمیعی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه: درباره پنل و روش کار
۵	دکتر نسرین نورشاهی : رئیس موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۶	دکتر مقصود فراستخواه: عضو هیات علمی موسسه و دبیر میز
۷	دکتر اکبر گلدسته: عضو هیات علمی و ارائه بحث
۲۱ و ۱۴	دکتر کارن ابری نیا: مدیر کل دفتر آموزش عالی غیردولتی
۱۵	دکتر علی رضا همتی: عضو هیات علمی و پژوهشگر آینده پژوهی
۱۶	دکتر ذاکر صالحی: عضو هیات علمی موسسه
۱۸	دکتر علی آهون منش: دبیر کل و رئیس شورای مرکز اتحادیه موسسات آموزش عالی غیردولتی
۱۹	دکتر کاوس حیدری: عضو هیات علمی دانشکده علوم پایه دانشگاه علم و فرهنگ و پژوهشگر آینده پژوهی
۲۰	دکتر شاهین همایون آریا: معاون دفتر گسترش و برنامه ریزی آموزش عالی
۲۱	دکتر فاطمه اسدی: عضو هیات علمی وزارت علوم
۲۲	معصومه قارون: معاون اجرایی موسسه
۲۲	دکتر علیرضا اسدی: پژوهشگر آینده پژوهی
۲۳	دکتر احسان جمالی: معاون فنی و آماری سازمان سنجش آموزش کشور
۲۴	دکتر اسماعیل رحیمی: پژوهشگر آینده پژوهی



مقدمه: درباره پنل و روش کار

پنل میز آینده پژوهی با حضور افرادی خیره و متخصص و همچنین اعضای پنل و با موضوع « سناریوهای جذب دانشجو در آموزش عالی غیر انتفاعی » ساعت ۱۰ الی ۱۲ روز دوشنبه ۲۵ آبان در محل موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی برگزار شد. در این پنل هر یک از اعضای پنل دیدگاه‌های خود را درباره سناریوهای جذب دانشجو بیان کردند. در ادامه دیدگاه‌های هر یک از اعضای پنل ارائه شده است:



دکتر نسرین نورشاهی : رئیس موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

عرض سلام و ادب و احترام خدمت سروران ارجمند، فعالیت‌هایی که ما در حوزه میز آینده پژوهی داشتیم ، در واقع همان ساختار گفتگویی که آقای دکتر فراستخواه با ابتکار خودشان در طرح پژوهشی با عنوان آینده پژوهی آموزش عالی که از حوزه معاونت آموزشی به ما پیشنهاد شده بود و سابقه فعالیت‌های این میز حدود یک سال است که تا کنون ۸ گزارش محصول این ساختار گفتگویی و بحث‌هایی را که از دل این میز با حضور خبرگان، مسئولان و افرادی که در حوزه آموزش عالی قلم زدند ، فکر کردند، کار کردند، بیرون آمده است و ما اینها را به دانشگاهها ارسال کردیم ، بازخوردهای خیلی خوبی گرفتیم ، پروژه آقای دکتر فراستخواه در واقع در یک مقطعی این پروژه میز آینده پژوهی به یک نتایجی رسید و گزارش نهایی آن تهیه شده است. منتهی این ساختار گفتگویی که از دل این پروژه بیرون آمده است و در واقع نهادینه شده است ما این را امتداد و استمرار دادیم و بنا داریم چون این برنامه با استقبال دانشگاه‌ها و با استقبال ستاد خود وزارت و کلیه ذینفعانی که به یک نحوی با موسسه در ارتباط هستند روبرو شده است. ما فکر کردیم که این ساختار علمی حفظ شود و در ادامه آن پروژه، این فضای گفتگویی را که ایجاد کردیم را مورد به مورد بر حسب موضوعاتی که می‌تواند در دستور کار موسسه قرار بگیرد ادامه دهیم و امروز با موضوع جذب دانشجویان خارجی در موسسات آموزش عالی غیر انتفاعی در خدمت شما هستیم که البته سابقه این کار را در گروه مطالعات تطبیقی آقای دکتر ذاکر صالحی هم یک پروژه ای را زحمت کشیده بودند و فعالیتی تحت عنوان راهبردهای جذب دانشجوی خارجی در مورد کل دانشگاهها و موسسات پژوهشی داشتند ، اما در بحث امروز ما تاکید بر روی موسسات آموزش عالی غیر انتفاعی است به همین دلیل دوستان و اساتیدی که دعوت شدند به یک نوعی ارتباطی با این موضوع دارند و هم با تکنیک آینده پژوهی و هم با رویکرد تخصصی و کارشناسی دوستانی که در حوزه موسسات غیر انتفاعی فعال هستند.



من تشکر می کنم که دعوت ما را پذیرفتید انشاءالله که جلسه مفیدی باشد و ما بتوانیم از دل بحث و گفتگوهایی که در این جلسه خواهیم داشت یک توشه ای داشته باشیم برای آقای دکتر ابری نیا و آقای دکتر آهون منش که الان دقیقا با این موضوع درگیر هستند در مورد موسسات غیر انتفاعی و آن گسترش هایی که در سایر زیرنظام ها افتاده است و بعضا فشارش به موسسات غیرانتفاعی وارد شده است و در این موسسات سرمایه گذاری هایی انجام شده است و ظرفیتهایی ایجاد شده است و حالا اینها به نحوی با یک سری مشکلاتی درگیر شدند.

دکتر مقصود فراستخواه: عضو هیات علمی موسسه و دبیر میز

من هم سلام عرض می کنم و از اعضای پنل تشکر می کنم که در اینجا حضور علمی دارند. همانطور که توضیح دادند موضوع پنل امروز ما در مورد مسئله موسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و به طور خاص جذب دانشجو در این موسسات و آینده پژوهی و آینده اندیشی در این خصوص است. اعضای حاضر که در این پنل شرکت کردند تخصص هایی در این حوزه دارند پروژه های تحقیقاتی چه از منظر آینده پژوهی و چه از منظر مدیریت آموزش عالی انجام داده اند. امروز کارشناسان خبره در بحث تخصصی پنل ، نمایندگی های معتبر موسسات آموزش عالی غیرانتفاعی که خانم دکتر توضیح دادند و کارشناسان و خبره های آینده پژوهی در ایمجا جمع اند. این همان هدفی است که میز آینده پژوهی آموزش عالی به مثابه ساختار گفتگویی به لطف حق دنبال می کند. جناب آقای اکبر گلدسته از محققان جدی آموزش عالی هستند که در زمینه موضوع تخصصی این پنل پژوهش خوبی انجام داده اند. می گویم خوب ، چون خودم هم همراه کوچک ایشان در این تحقیق بودم. جناب آقای دکتر ذاکر صالحی نیز در پروژه تحقیقاتی دیگر در این زمینه پژوهش کرده اند . آینده برای ما خیلی مهم است و آینده پشت درهای ماست، اینگونه نیست که فکر کنیم چو فردا شود فکر فردا کنیم.. خیلی زود، دیر می شود . ما به آینده هایی پرتاب می شویم بدون اینکه آماده آن باشیم. یکی از مسئله ها، مسئله ظرفیتهای بخش غیردولتی ماست. ما واقعا کشور ظرفیت سوزی شده ایم، ما ظرفیتهایمان را از بین می بریم، نه تنها برای آینده فرصت خلق نمی کنیم حتی اندک ظرفیتهای موجودمان را هم از بین می بریم. یکی از ظرفیتهای مهم آموزش عالی ما بخش های غیردولتی است. اگر ما این ظرفیت را از بین ببریم می خواهیم در آینده چه کار کنیم؟



ظرفیتهای بخش غیردولتی در آموزش عالی مهمترین تکیه گاه ما برای عزیمت به آینده و برای غلبه بر این دولت سالاری ناکارآمد است. پرسش این است که در آینده، این موسسات آموزش عالی غیر دولتی و غیرانتفاعی می خواهند چه شوند، بخشی از این ظرفیتهای غیر دولتی آموزش عالی ما موسسات آموزش عالی غیر دولتی و غیرانتفاعی است و بخش غیرانتفاعی حداقل دارای عنوان غیرانتفاعی هم هست که می توانیم روی آن به لحاظ ارزشهای اجتماعی به لحاظ هنجارهای فرهنگی مان که نمیخواهد آموزش عالی را در حد یک کالا تقلیل دهد خیلی حساب بکنیم . بخش غیر دولتی آموزش عالی اگر پاکیزه و مولد و خلاق و رقابتی و آزاد باشد می تواند آن تصدی گری دولتی را که برای ما مشکل است ، حل بکند و می دانیم که خیلی از فرصتهای ما تبدیل به تهدید شده است و عملاً نمیتوانیم از این ظرفیتهای بهره وری داشته باشیم. در پنل امروز ارائه توسط آقای گلدسته انجام می شود درباره آینده جذب دانشجو در موسسات آموزش عالی غیرانتفاعی با تکنیک سناریو نویسی. بعد از ارائه بحث و از طریق گفتگوی جدی انتقادی و تکمیل کاربرگهایی که در اختیار اعضای پنل قرار داده شده است بنا داریم از دانش و تجربیات مدیریتی و سیاستگذاری اعضای محترم پنل استفاده بکنیم.

دکتر اکبر گلدسته: عضو هیات علمی و پژوهشگر آینده پژوهی

من از مدیران محترم موسسه سرکار خانم دکتر نورشاهی ، جناب آقای دکتر منیعی و جناب آقای دکتر فراستخواه و هم چنین اساتید بزرگوار که دعوت موسسه برای شرکت این پنل را پذیرفتند تشکر می کنم .موضوع صحبت در پنل نهم میز آینده پژوهی ،سناریو نگاری جذب دانشجو در زیر نظام آموزش عالی غیر دولتی و غیرانتفاعی ایران است در افق چشم انداز سند ۱۴۰۴ است . این پژوهش نتیجه تقریباً دو سال کار مداوم است که در این جلسه خدمت اساتید بزرگوار عرضه می شود و در انتها برای ارزیابی سناریو هایی که تدوین شده ، کاربرگهایی خدمت اساتید ارائه می شود که تمنا میکنم آنها را تکمیل بفرمایید؛ نحوه بررسی آن را هم اگر آشنایی وجود ندارد من در انتهای پنل خدمتتان عرض میکنم .



نکته اول در مورد تفاوت بین پیش بینی و آینده نگاری است که ما در حوزه آینده نگاری به هیچ وجه قصد پیش بینی نداریم که چه چیزی رخ خواهد داد . در پیش بینی آینده ای که قابل تصور است در یک مسیر واحد و منفرد خواهد بود اما در آینده نگاری ما چندین مسیر را طی میکنیم و به چند آینده ای که ممکن و قابل تصور باشد دسترسی پیدا خواهیم کرد و در مورد اینکه کدام گزینه باید انتخاب بشود ، احتمال رخداد اینها و چگونگی تصور اینها بحث خواهد شد ؛ موضوع بحث ما هم دقیقاً همین است .

نکته دوم قبل از اینکه من وارد بحث اصلی شوم این است که ، ما در آینده پژوهی و در سناریو نویسی دو رویکرد کلی داریم که در واقع پارادایم یا انگاره هنجاری و امکانی نامگذاری شده است . در انگاره هنجاری ما آینده مورد نظرم را که می خواهیم به آن برسیم خودمان ترسیم می کنیم و در واقع مطلوب ما است ؛ در این تحقیقی که پیش رو داریم اساساً مطلوبیتی تعریف نشده است، یعنی ما ذهن را کاملاً باز گذاشتیم برای آنچه که می خواهد رخ بدهد حالا اینکه مطلوبیت این سناریوهای مختلف به چه میزان خواهد بود و ذینفعان متعدد ممکن است نگاههای مختلفی به این قضیه داشته باشند و هر کدام مطلوبیت ها یخاص خودشان را داشته باشند مسئله ای است و به طور طبیعی نیز چنین چیزی حادث خواهد شد . این هدف مورد نظر ما بوده و بنابراین نوع پارادایمی که در این محبت داریم " امکانی " است، یعنی امکان های متعددی که ممکن است رخ بدهد و البته هر کدام با احتمال های متفاوت که ممکن است یکی از آنها مطلوب ما باشد یا نباشد . در مورد آینده نگاری رویکردهای متفاوتی داریم که سناریو نویسی رویکرد منتخب این پژوهش است ، که در بخش نوآوری و خلاقیت در حوزه ی آینده نگاری تقسیم بندی شده است.

منتهی آن بخشهایی را که من با رنگ قرمز مشخص کردم از آن روشها و رویکردها هم من در کنار رویکرد اصلی که سناریو نویسی باشد استفاده کردم، یعنی در مورد پویای محیطی آموزشی عالی غیر انتفاعی، روند ده سال گذشته و حتی بیشتر از آن را که از ابتدای تاریخ شروع فعالیت این مؤسسات بررسی شده است، روند یابی برای مسائل مختلف انجام شده است . پنبلی که ما در خدمتتان هستیم و بحثهای دیگری که با خبرگان نیاز بود و تحلیل اثرات متقابل که در انتهای بحثم به آن خواهم پرداخت، این مباحث مجموع روشهایی بود که در این پژوهش به کار گرفته شده است. علت انتخاب سناریو به طور خلاصه تنوع پذیری اینهاست برای وضعیتهایی که در آینده قابل رخداد هستند، اینکه در سناریو ما می توانیم تصویر پردازی کنیم از آینده و تصورات خودمان را شکل دهیم. سناریوها می توانند به عنوان نتیجه یک پژوهش آینده نگاری مثل بحثی که الان در خدمتتان هستیم استفاده شوند و هم می توانند خودشان موضوع شروع یک بحث جدید باشند مانند این که ، این سناریوها و امکان های مختلفی که تصور شده چه مطلوبیتها، چه ضعفها و چه قوتهایی دارد؛ مثل پنبلی که در خدمتتان هستیم و از سوی دیگر هم می تواند خاتمه ی یک پژوهش آینده نگاری باشد که ما در واقع این بحث را نداریم و پنبلها و بحثهایی را که بعد از این خواهیم داشت نشان می دهد که سناریو شاید مقدمه ای برای

ورود به مبحث نهایی باشد و اینکه در واقع سناریو خودش می تواند در ترکیب با روش های دیگری به کار رود، مانند پیمایش موضوعی، پیمایش محیطی که من هم در پژوهش در واقع مقدماتی مانند این موارد برای سناریو نویسی داشتیم که از آنها استفاده کردم.

موضوع مهمی که پیش از تدوین سناریو می تواند بحث بشود این است که ما به چند سناریو می خواهیم برسیم؟ یعنی چند تنوع و امکان را در نظر می گیریم که اعداد مرسوم در ادبیات آینده پژوهی معمولاً بین ۱ تا ۶ است که ما در این تحقیق ۴ سناریو را در خدمت حضار محترم ارائه خواهیم کرد که در واقع متداول ترین نوعی است که معمولاً در تحقیقات آینده پژوهی به آن اشاره شده است. روشی که برای سناریو نویسی انتخاب شده است روشی است که موسوم به **General business network** یا به اختصار **GBN** است ، که در ۵ مرحله یا در ۵ فاز اجرا می شود در این پژوهش دقیقاً طی شده است . مسئله اصلی پژوهش جذب دانشجو در زیر نظام آموزش عالی غیر انتفاعی - غیر دولتی در ۱۰ سال آینده است و اینکه چه عواملی بر این مسئله تأثیر گذار هستند، در فاز دوم این عوامل تعیین می شوند و به درجه اهمیت و عدم قطعیت آنها در افق زمانی مورد نظر، یعنی ۱۴۰۴ تعیین شده است . در فاز بعدی این اطلاعات در قالب سناریو ها ترکیب می شوند ، سناریو ها نوشته شده و پس از آن برای آنها راهبردها و راهکارهایی در نظر گرفته می شود . نکته مهم در فاز آخر پایش این مجموعه است و تدوین شاخص هایی که به ما بگوید که در حرکت در مسیر زمان به کدام سناریو بیشتر نزدیک می شویم و در واقع برنامه های راهبردی مان را در آن حوزه و بر مبنای آن سناریویی که عملاً دارد به رخداد نزدیک می شود هماهنگ کنیم و یا برنامه های کلی مان را بر اساس آن اصلاح کنیم. در این سناریو شیوه کار به این شکل است، به صورت تصویری خدمتتان عرض می کنم ما دو تا عامل مهم بر مسئله مورد نظر را شناسایی می کنیم، این عوامل از ۲ بعد مورد بررسی قرار می گیرند، قطعیت و درجه اهمیت برای هر عامل که برگزیده می شود که بعد در قسمت بعد برای هر عامل ۲ وضعیت در نظر گرفته می شود ، که ترکیب این وضعیت ها ۴ سناریو به ما می دهد، این وضعیتها ، عمدتاً وضعیت هایی در نظر گرفته می شود که به اصطلاح حدی اند یا خیلی با هم متفاوت هستند. در هر کدام از این حالت ها در هر کدام از ابعاد این محورهای ۲ گانه سناریوها شکل می گیرند که ۴ سناریو در نهایت شکل می گیرد . هر کدام از آنها برای تصویر و نوشتارشان، باید این مطلب را در نظر بگیریم که آن عامل در آن بازه زمانی ما (افق ۱۴۰۴) در کدام وضعیت است و چه معنا و مفهومی در مورد مسأله ما به دنبال دارد.

در مسئله اصلی می پردازیم به اینکه چرا این مسئله برای ما مهم است؟ به دلایل مختلفی که در عمل و در تجربه و پیشینه بررسی با آن رو به رو هستیم و تقریباً روشن است. یکی اینکه در مؤسسات آموزش عالی غیر انتفاعی عمده ترین و در برخی موارد تنها منبع درآمد مؤسسات ، جذب دانشجو است بنابراین اینکه ما بدانیم در آینده چه میزان دانشجو خواهیم داشت، حتی می تواند در موجودیت مؤسسات مؤثر باشد چون بحث هایی مثل ارائه خدمات ، پژوهش و عمدتاً جایی در مؤسسات غیر انتفاعی ما ندارد و آموزش عمده ترین محور فعالیت مؤسسات است. نکته دوم فضای رقابتی شدیدی است که در حال حاضر وجود دارد و از قبل هم وجود داشته و الان هم بیشتر شدت گرفته که یک سر این فضای رقابتی دانشگاه های دولتی، زیر نظام های مختلف آن و دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان یک محور بسیار مهم و در طرف دیگر مجموعه دانشگاه های غیر انتفاعی وجود دارد. در نکته سوم بحث جدیدی است که ما در دوره جدید مدیریت وزارتخانه داریم مبنی بر تأکید بر تقویت کیفی بر مؤسسات و آموزش عالی و توقف رشد کمی که خودش در واقع باز به گونه ای اثر اولیه اش می تواند بر جذب دانشجو در این مؤسسات و اعطای مجوز رشته ها و مسائلی از این قبیل باشد. و نکته دوم سهم مقاطع تحصیلی در دانشکده ها هم مؤثر است. آخرین آماری که در مؤسسه پژوهش موجود است (سال تحصیل ۹۳-۱۳۹۲) سهم مقاطع مختلف تحصیلی را به این صورت نشان می دهد که سهم مقاطع کاردانی و کارشناسی در آموزش عالی ۸۵٪ است. در مؤسسات آموزش عالی غیر انتفاعی سهم این مقاطع از این ۸۵٪ هم به مراتب بیشتر است، بنابراین ورودی آزمون سراسری و جذب دانشجو در مرحله اول بسیار تأثیر گذارتر است بر عناصر این زیر مجموعه تا بر دانشگاه های دیگر بخصوص دانشگاه های دولتی و آزاد اسلامی. به عنوان نمونه من از اطلاعات مؤسسه سهم زیر نظام های مختلف آموزش عالی را خدمتتان ارائه می کنم. دانشگاه آزاد اسلامی به تنهایی یک سوم ثبت نام دانشجویان کشور را دارا است و مؤسسات غیر انتفاعی تقریباً ۱۱ درصد را دارند که این سهم در سال های اخیر به مرور رو به کاهش گذاشته است.



روشی که ما برای سناریونویسی در نظر گرفته‌ایم یک روش آمیخته و ترکیبی بوده بر مبنای پویای محیطی، روند یابی و سناریونویسی، از سه طریق مسئله دنبال شده است. در بخش کیفی ابتدا مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته با مطلعین کلیدی آموزش عالی و ذینفعان زیر نظام آموزش عالی غیر انتفاعی انجام و عواملی را که بر این مسئله مؤثرند شناسایی شده است. تعداد مصاحبه‌هایی که انجام شد ۲۰ مورد بود تا به اشباع نظری برسیم. در این مرحله بیش از ۱۰۰ عنوان و ۱۰۰ عامل جستجو شد که در ۴ سطح بین‌المللی، ملی، آموزش عالی و درونی دانشگاه غیر دولتی و غیر انتفاعی تقسیم بندی شد. عامل‌ها به مقوله‌های اصلی و فرعی تقسیم شدند که دقیقاً ۱۰۳ عنوان مشخص شد، در بخش کمی ما براساس مقوله‌هایی که استخراج شده بود، پرسشنامه‌ای را تنظیم کردیم و از نظر روایی و پایایی‌اش اطمینان حاصل کردیم و به دو گروه اصلی صاحب نظر دو زیر مجموعه آموزش عالی یعنی ذینفعان و سیاستگذاران - مجریان توزیع شده و از بزرگواران خواسته شده بود از منظر دو موضوع درجه اهمیت این عامل در جذب دانشجو در مؤسسات غیر انتفاعی و میزان عدم قطعیت این مسئله در ده سال آینده عددی را بین ۱ تا ۱۰ به هر عامل نسبت بدهند که در نهایت ۲ عامل از مجموع ۱۰۳ عامل جستجو شد و بر مبنای آنها سناریوها تدوین شد. همزمان با این مسئله عواملی را که دارای روندی ثابت بودند مثلاً میزان تقاضای ورود به آموزش عالی به وسیله مدل‌های آماری سری‌های زمانی مدل بندی شد و روندیابی شده است که تا سال ۱۴۰۴ که به چه شکل خواهند بود و آن عامل‌هایی که واضح بود و روندهای ثابتی داشت از مجموعه عوامل مورد بررسی در تدوین سناریوها کنار گذاشته شد چون روندهایش تقریباً مشخص هستند، آن دو عامل هم طبق همان بحثی که قسمت ادبیات آینده پژوهی خدمتتان عرض کردم منجر به ۴ سناریو شد و این سناریوها را من خدمتتان ارائه خواهیم کرد تا در این پنل به بحث و داوری گذاشته شود.

عواملی که در ۴ سطح عرض کردم از مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته با صاحب‌نظران آموزش عالی به دست آمد باز به دو دسته کلی تقسیم‌شان می‌کنیم عوامل بیرونی و درونی، عوامل بیرونی منظور آن عواملی هستند که خارج از فضای دانشگاه‌های غیر دولتی و غیر انتفاعی وجود دارند و بر مسئله مورد نظر ما که جذب دانشجو در این دانشگاه‌ها بودند اثر می‌گذارند. دسته اول عواملی در سطح بین‌المللی هستند که به صورت اسنادی جستجو شده، و البته مورد نظر خیلی از صاحب‌نظران هم بود، عواملی که در سطح ملی هستند و کلاً دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی ما چندان بر آن تأثیر گذار نیستند مثل وضعیت اقتصادی، اشتغال و... که بر تقاضای آموزش عالی اثر می‌گذارد، عواملی در سطح نظام آموزش عالی کشور که نماینده شاخص آن وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است و سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌سازی‌هایی که در این سطح انجام می‌شود روی وضعیت جذب دانشجو در دانشگاه‌های غیر انتفاعی تأثیر می‌گذارد و عوامل درونی هم مجموعه تصمیم‌گیرها، مدیریت و سیاستگذاری‌هایی که در درون دانشگاه‌های غیر انتفاعی گرفته می‌شوند و طبیعی است که بر جذب دانشجو و تمایل دانشجویان به ثبت نام در این نوع دانشگاه‌ها اثر می‌گذارد. در کنار این عوامل عواملی که دارای روندهای اجتماعی بودند هم در نظر گرفته شدند، تغییرات جمعیتی متقاضیان ورود به آموزش عالی کشور، سهم دانشگاه‌های غیر انتفاعی از آموزش عالی که در ۱۰ سال گذشته بررسی شده و روندهایش مشخص شده است، روند سهم زیر نظام‌هایی دیگر اعم از دولتی و غیر دولتی از آموزش عالی مشخص شده است.

در مصاحبه‌هایی که انجام شد، خبرگان آموزش عالی، بعضی از عوامل را بی‌تأثیر یا دارای تأثیر کم می‌دانستند با اینکه از نظر ادبیات موضوع می‌تواند بر مسئله تأثیر بسیار مستقیم داشته باشد. یکی از این عوامل حذف آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌هاست. صاحب‌نظران اعتقاد داشتند که عملاً حذف یا عدم حذف آزمون سراسری دیگر تأثیری بر مسئله جذب دانشجو ندارد؛ چون ظرفیتهای پذیرش به گونه‌ای تعیین شده که عملاً نشان می‌دهد ورود بدون آزمون به دانشگاه‌ها بسیار ساده است و شرکت در آزمون شاید بیشتر نوع و محل را تعیین کند (مثلاً امسال در تکمیل ظرفیت مؤسسات غیرانتفاعی ۵۷۰۰۰۰۰۰ صندلی خالی داشتیم).

حتی در مورد تمایل داوطلبان ورود به دوره‌های تحصیلات تکمیلی هم عقیده عمومی بر این بود که روند افزایشی نخواهد داشت یا ثابت خواهد ماند یا مانند دوره‌های کردانی و کارشناسی رو به کاهش خواهد گذاشت. در خصوص روندهایی بین‌المللی در عرصه



آموزش عالی، عقیده بر این بود که با تأخیر زیادی به ما می‌رسد مسائلی که آموزش عالی بین‌المللی با آن روبرو است معمولاً در ایران با سرعت چندانی دیده نمی‌شود. در مورد تغییرات مدیریتی در سطح وزارتخانه هم صاحب نظران معتقد بودند که برخلاف گذشته چندان تأثیر گذار بر روی این مسئله نخواهد بود.

در مورد روندهای حاکم بر جذب دانشجو به عنوان نمونه من روند نموداری‌اش را بگویم، روند تغییرات ورود به آموزش عالی کشور در ۱۲ سال گذشته اگر ما دنبال بکنیم طبق این منحنی که دارد شکل می‌گیرد و من نقاط شاخص آن را خدمتان ارائه می‌کنم، در آزمون سراسری سال گذشته (۱۳۹۴) از ۱/۷۱۰/۰۰۰ هزار نفر که سال ۸۴ داشتیم به ۸۸۰۰۰۰ داوطلب یعنی تقریباً به نصف رسیدیم. و آن منحنی از نظر آماری تفسیری که دارد این است که در مجموع روند کاهشی است ولی نکته جالبی که وجود دارد در سال‌های ۸۴، ۸۸ و ۹۲ که مصادف با تغییر دولتها در ایران است ما یک جهش کوچکی داریم که روی تشویق ورود به آموزش عالی تأثیر گذار بوده است، این روندها را ما از طریق مدلهای سری زمانی که یکی از تکنیک‌های آماری است به پیش بینی‌ها هدایت می‌کند. تا سال ۲۰۲۵ میلادی (۱۴۰۴ شمسی)، نمودار قرمز رنگ روند موجود است تا سال جاری و نمودار آبی رنگ روندی است که پیش‌بینی می‌کند تا افق ۱۴۰۴ و پیش‌بینی ما به طور حدودی این است که در سال ۱۴۰۴ تعداد متقاضیان ورود به آموزش عالی به ۶۰۰۰۰۰ نفر کاهش پیدا خواهد کرد، محققان دیگری هم البته این کار را انجام داده‌اند و بیشترین برآوردی که دیده‌ام عدد ۶۰۰۰۰۰ نفر داوطلب بود. شاید پیش‌بینی این پژوهش یک مقدار بدبینانه باشد، ولی به نظر می‌رسد بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر داوطلب رقم مناسبی است. نکته مهم‌تر اینکه، روند کاهشی را همه محققان تأیید کردند که ادامه خواهد داشت و این روی مسئله اصلی ما بسیار تأثیر گذار خواهد بود.

عواملی که برای تدوین سناریوها انتخاب شد براساس دو بعد میزان عدم قطعیت و اهمیت مرتب شده و ۱۰ عامل اول انتخاب شده است. در انتخاب گروه پاسخگویان محدودیت زیادی داشتیم و آن الزام به تخصص افراد در حوزه زیر نظام آموزش عالی غیر انتفاعی بود. در نهایت ۸۰ نفر را به عنوان نمونه انتخاب کردیم، از پرسشنامه‌های ارسالی ۷۱ مورد بازگشت که نرخ پاسخگویی‌اش ۸۸٪ بود، نتیجه بررسی نشان داده است که ۱۰ عامل برتر از بین ۱۰۳ عامل به این ترتیب بوده است: کیفیت آموزشی مهمترین عاملی بود که صاحب‌نظران تشخیص دادند در زیر نظام آموزش عالی و مؤسسات غیر انتفاعی بر جذب دانشجو در دهه آینده مؤثر است. نحوه محاسبه درجه اهمیت هم به این ترتیب بود که اول براساس میزان عدم قطعیت، (چون تکنیک این را به ما می‌گوید)، عامل‌ها مرتب شدند، سپس میزان اهمیت عامل به عنوان وزن به این عامل عدم قطعیت داده شده است و در نهایت امتیازی از حداکثر ۱۰۰ حساب شده است. کیفیت آموزش از مجموعه عوامل سطوح درونی و بعد آموزشی با امتیاز ۶۵.۴۵ از ۱۰۰ برترین عامل شده است و وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی با عدد ۶۲.۸۲ عامل دوم شده است. ما برای تدوین سناریو این دو عامل را انتخاب کردیم و به عقیده صاحب‌نظران در ۱۰ سال آینده کیفیت آموزشی مؤسسات و وضعیتی که دانشگاه آزاد در ارتباط با وزارت علوم دارد مهمترین عواملی هستند که جذب دانشجو در زیر نظام غیر انتفاعی را تحت تأثیر قرار خواهند داد، بقیه عوامل هم شامل سیاست‌های جذب دانشجو در سایر نظام‌ها که در حوزه وزارت علوم است در رتبه سوم، و پس از آن وضعیت اشتغال در کشور در رتبه چهارم بود، توجه به تقاضای ذینفعان و نیازهای بازار کار که یک عاملی است که در سطح بین‌المللی مطرح است در رتبه پنجم، وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان در رتبه ششم، وضعیت اقتصادی کشور رتبه هفتم، میزان و شیوه پذیرش در سایر زیرنظام‌ها در رتبه هشتم، یکپارچگی آزمون ورودی دانشگاه‌ها در تمامی مقاطع و میزان تصدی‌گری دولت در آموزش عالی در رتبه نهم و دهم شناسایی شده‌اند.

براساس دو عاملی برتری که خدمتتان عرض کردم، سناریوها را تدوین کردیم، برای عامل اول که کیفیت آموزشی دانشگاه‌های غیر انتفاعی باشد، دو وضعیت حدی کیفیت استاندارد و کیفیت نامناسب در نظر گرفته شده است. و برای وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی هم دو وضعیت تحت نظارت وزارت علوم و یا خارج از نظارت وزارت علوم را که در واقع در تقابل با یکدیگر هستند را در نظر گرفتیم. سناریوی اول را حالتی در نظر گرفتیم که دانشگاه‌ها کیفیت آموزشی نامناسبی داشته باشند و وضعیت دانشگاه آزاد اسلامی تحت



نظارت وزارت علوم قرار بگیرد، با عنوان واگذاری میدان. اسامی سناریوها از اصطلاحات نبرد نظامی گرفته شده است، سناریو دوم را به عنوان بازی جوانمردانه نامگذاری کردیم. سناریو سوم در حالی که نه دانشگاه آزاد به نظارت وزارت علوم تن می‌دهد و نه دانشگاه‌های غیر انتفاعی موقعیت کیفی مناسبی خواهند داشت. به عنوان بازی مرگ نامگذاری شده و سناریوی چهارم که در واقع دانشگاه‌های غیر انتفاعی استانداردهای مورد نظر را رعایت نکنند ولی دانشگاه آزاد همچنان از حیطه نظارت وزارت علوم خارج باشد به عنوان قهرمان بازنده. ویژگی‌های کلی این سناریوها عبارتند از:

- ۱- در سناریوی اول دانشگاه آزاد اسلامی تحت نظارت وزارت علوم بوده و ابزارهای نظارتی را به ویژه در زمینه گسترش رشته‌های موجودش را بپذیرد، ولی کیفیت دانشگاه غیر انتفاعی کماکان نامناسب بماند، ۳ ویژگی برایش در نظر گرفتیم که قدرت بیشتر رقیب بزرگتر (دانشگاه آزاد اسلامی را به عنوان رقیب بزرگتر نام بردیم) و توسل به شیوه‌های غیر حرفه ای برای جذب دانشجو توسط رقیب کوچکتر (زیر نظام آموزشی غیر انتفاعی) ، شکل‌گیری قدرت نظارتی و میل دانشگاه‌های غیر انتفاعی به سمت منطق انتفاعی که حالا ابزارهای خاصی برای جذب دانشجو در آن در نظر گرفته می‌شود.
- ۲- در سناریو دوم که هم دانشگاه آزاد ابعاد مورد نظر وزارت علوم و نظارت آن را می‌پذیرد و هم دانشگاه غیر انتفاعی استاندارد لازم را داشته باشد. ویژگی‌های بارزش حاکمیت عقلانیت در مدیریت مجموعه غیر دولتی ، مدیریت و نظارت قوی قانون‌گذاران و اصالت کیفیت تعیین شده‌اند که به نظر می‌رسد از دیدگاه بسیاری از ذینفعان یک سناریوی مطلوب باشد.
- ۳- سناریوی سوم (بازی مرگ) شبیه وضعیت موجود است که در آن حد که باید مطلوب باشد نیست، الان وضعیت ما به گونه‌ای است که دانشگاه آزاد تقریباً راهکارهای خاص خودش را برای جذب دانشجو دارد و دانشگاه غیر انتفاعی هم عملاً کیفیت مناسبی را به جهت استاندارد نمی‌تواند به خوبی رعایت کنند که یک ویژگی‌اش پهن کردن فرش قرمز برای داوطلبان است. وضعیتی که تقریباً ما الان شاهد آن هستیم ، ضعف قانون گذاری از حیطه نظارتی، با توسل به رفتارهای غیر اخلاقی و غیر حرفه‌ای در زمینه جذب دانشجو و حالا بعضاً شاید ما اسمش را رُبایش دانشجو هم بتوانیم بگذاریم
- ۴- در سناریوی چهارم (بازنده قهرمان) ، دانشگاه آزاد به وسیله قدرت ناشی از گستردگی و حمایتی که از آن می‌شود کماکان نظارت وزارت علوم را نمی‌پذیرد و گسترش‌های خاص خودش را دارد ولی دانشگاه غیر انتفاعی به سبب الزام به رعایت قواعد وزارتخانه ، مجبورند استانداردهای لازم را برآورده کنند. حاکمیت عقلانیت در مدیریت دانشگاه‌های غیر انتفاعی ، عدم قدرت کافی قانون گذار به واسطه نظارتی که بر دانشگاه آزاد باید داشته باشد و نهایتاً محو دانشگاه‌های ضعیف‌تر که همان دانشگاه‌ها و مؤسسات غیر انتفاعی باشند از ویژگی‌های این سناریو است.

در مورد اینکه از میان این سناریوها کدام مطلوب تر است و چه انتخابی باید صورت بگیرد، به عواملی اشاره می‌کنم که مرتبط با تعیین مطلوبیت ها هستند.

۱. نسبی بودن ، مطلوبیت اساساً نسبی است و از دیدگاه‌های متفاوت قابل تفسیر است.
۲. چه کسی به مسئله نگاه می‌کند، یعنی نوع ذینفعان: مثلاً دانشگاه آزاد به عنوان ذینفع، یک نگاهی به این سناریوها خواهد داشت، زیر نظام آموزش عالی غیر انتفاعی نگاهی دیگر، وزارت علوم نگاه دیگر
۳. شرایط زمینه‌ای: شرایط ما در زمانی که این انتخاب می‌خواهد صورت بگیرد، از ابعاد مختلفی بر آموزش عالی مؤثر است. این امر مهم و تعیین کننده است که ما در چه شرایط تاریخی از نظر فضا و امکانات می‌خواهیم اقدام به انتخاب بکنیم ؟ اینها در واقع مطلوبیت های ما را شکل می‌دهد برای همین من فعلاً وارد بحث مطلوبیت نشدم که به اجبار انتخابی داشته باشم ؛ ولی ذینفعان سناریوهای متفاوت ما چه کسانی خواهند بود که دست به آن انتخاب‌های مطلوب بزنند ؟.

در سناریو اول دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و نظام آموزش عالی کشور ذینفع هستند. سناریو اول سناریویی بود که دانشگاه آزاد نظارت وزارت علوم را می‌پذیرد و استانداردها را رعایت می‌کند اما در مقابل زیر نظام آموزش عالی غیر انتفاعی خارج از استاندارد



خواهند بود. به هر حال نظام آموزش عالی کشور به دلیل اینکه بزرگترین زیر مجموعه خودش را توانسته تحت نظارت در بیاورد به هر حال به عنوان یک ذینفع در اینجا می تواند معنا پیدا کند.

در حالی که هر دو زیر مجموعه زیر نظام غیر دولتی اقدام به استانداردسازی و رعایت مقررات داشته باشند باز هم نظام آموزش عالی کشور ذینفع خواهد بود و به عنوان یک برنده نقش خواهد داشت. دانشجویان زیر مجموعه غیر دولتی ما اعم از آزاد و غیر انتفاعی هم ذینفع خواهند بود و داوطلبان ورود به آموزش عالی که به مجموعه های آموزش وارد می شوند که آن کیفیت لازم را دارند.

در سناریوی سوم چون کیفیت ها زیر پا گذاشته می شود ورود به مؤسسات آموزش عالی آسانتر می شود حتی گرفتن مدرک و ادامه تحصیل، بنابراین داوطلبانی که فاقد توانایی علمی لازم هستند ذینفع خواهند بود و زیر نظام دولتی به واسطه اینکه مجموعه زیر نظام غیر دولتی ما کیفیت لازم را ندارد دانشجو را به سمت خودش خواهد داشت و منافع خاص خودش را خواهد بود.

در سناریو چهارم که در واقع دانشگاه آزاد آن نظارت کیفی را نمی پذیرد و زیر مجموعه غیر انتفاعی موظف به رعایت استانداردهاست در واقع باز نظام آموزش عالی کشور به جهت اینکه توانسته زیر مجموعه غیر انتفاعی را به استانداردهای لازم برساند ذینفع خواهد بود، دانشگاه آزاد اسلامی به جهت اینکه جذب بیشتری خواهد داشت و دانشجویان دانشگاه غیر انتفاعی به سبب آن که در محل تحصیلشان کیفیت آموزشی رعایت شود و با کیفیت بهتری دانش آموخته خواهند شد ذینفع خواهند بود.

نکته بعد اینکه ما چگونه این سناریوها را رصد می کنیم؟ که در واقع شاخص هایی را باید تعریف بکنیم که با گذشت زمان ما در قالب کدام سناریو در حال پیشروی هستیم؟

شاخصهایی که می تواند مهم باشد عبارت اند از : نسبت درجه های اخذ شده قابل قبول توسط دانشگاه ها و مؤسسات غیر انتفاعی است. ما اخیراً در رتبه بندی مؤسسات غیر انتفاعی که انجام شده است این درجات را شاهد بودیم. هر چقدر نسبت بیشتری از مؤسسات غیر انتفاعی درجات بالاتر را کسب کنند و حتی اگر واحدهای دانشگاه آزاد نیز به این رتبه بندی وارد شوند، می توانند یک شاخص خوب برای این باشد که به سمت کیفیت بهتر حرکت کرده ایم. میزان ارزیابی های درونی یا بیرونی و یا ارزیابی هایی که در گروه های مربوط به این زیرنظام ها اعم از آزاد و غیر انتفاعی انجام می شود، تعداد و نسبت کد رشته های فعال دانشگاه آزاد اسلامی که مورد تأیید شورای گسترش آموزش عالی قرار می گیرد هر چه بیشتر باشد قطعاً ما به آن بحث نظارتی مان نزدیکتر می شویم، معیار دیگر، شاخص های بخش کمی کیفیت آموزشی است. به هر حال اکثر شاخص هایی که ما در کیفیت آموزش عالی مان داریم متأسفانه کمی است؛ مثلاً نسبت عضو هیأت علمی به دانشجو، سرانه فضای آموزشی، سرانه تجهیزات و یا نسبت عضو هیأت علمی تمام وقت و مانند آن، که به هر حال گونه های متفاوتی از تصویر کیفیت آموزش در قالب کلی هستند و می توانند به این رصد کمک کنند. تعداد و نسبت رشته های با آزمون در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی هم می تواند یک شاخص باشد.

در این کاربرگ هایی که خدمتتان است بحثی مطرح است تحت عنوان تأثیر اثرات متقابل، ما در مجموعه ۱۰۳ عاملی که بررسی کردیم به سبب محدودیتی که تکنیک انتخاب سناریونویسی در برابر ما قرار می دهد ۲ عامل را انتخاب می کنیم عوامل درگیری هم هستند که در جهت گیری و شکل گیری سناریو مهم است که در بر گه دوم به صورت یک ماتریس نشان داده شده است، لطفاً میزان اثر هر عاملی که در سطر ذکر شده بر هر عاملی که در ستون ذکر شده است با یکی از اعداد ۰ تا ۳ نسبت بدهید.

- عدد صفر یعنی متغیر سطری بی اثر است و میزان اثر در صورت وجود با مقیاسی از ۱ تا ۳ مشخص شده است.
- در نهایت ما به یک ماتریس امتیازات مانند نمونه ای که مشاهده می کنید دست می یابیم: (پاورپوینت)

نکته دیگر این است که سناریوهای تدوین شده تا چه میزان اعتبار دارند که معمولاً سناریوها از ۴ جنبه مورد ارزیابی قرار می گیرند.



- شاخص اول امکان پذیری
- شاخص دوم پایداری و سازگاری درونی
- شاخص سوم سودمندی است.
- شاخص چهارم تمایز این سناریوها

هر یک از این شاخصها در مورد هر یک از سناریوهای تدوین شده با عددی از یک تا چهار ارزشیابی می شود .

دکتر کارن ابری نیا: مدیر کل دفتر آموزش عالی غیردولتی



احساس می‌کنم چنین فعالیتهایی خیلی می‌تواند به نفع کشور و سیستم آموزش عالی باشد. به طور کلی ما به چنین فعالیتهایی نیاز داریم و ان شاء... که این فعالیتها منجر به نتیجه‌ای شود که بتوان استفاده کرد به خصوص برای ما که ستاد هستیم و بالاخره سیاستگذاری‌ها را انجام می‌دهیم و دنبال این هستیم که بتوانیم سامان دهی کنیم چون همانطور که مطلع هستید ما از سالهای گذشته دچار یک آشفتگی در آموزش عالی کشور هستیم و سامان دهی این آشفتگی‌ها واقعاً مشکل است. ابتدا باید نگاه کنیم که هدف از تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی و غیر انتفاعی چه بود؟ یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی که حدود ۳۰ سال پیش این کار را انجام داد هدفش چه بود؟ حالا آن چیزی که در چند بند اهداف ابتدایی مشاهده می‌کنیم در اسناد اولیه می‌بینیم این بود که بیاییم از ظرفیت اعضای هیأت علمی‌مان که در دانشگاهها است استفاده کنیم و از این پتانسیل استفاده کنیم و یک ظرفیت جدیدی را ایجاد کنیم و این بتواند به دانشجویهای ما که رو به رشد بودند از لحاظ کمی رو به افزایش بودند سرویس بدهد. و در طی سالهای بعد یکی از اهدافی که به نظر می‌رسد دنبال شده این بود که ما با ایجاد این مؤسسات می‌توانیم بودجه‌ای را که دولت دارد صرف آموزش عالی می‌کند را کاهش دهیم و به نوعی به دولت کمک کنیم. آن دو نکته اصلی به نظر من به عنوان هدف تأسیس این مؤسسات اینها بود. اما آن چیزی که در کشور ما اتفاق می‌افتد در واقع از آن قالب اصلی خود خالی می‌شود و به سمت دیگری که تبدیل به یک پدیده عجیب می‌شود می‌رود. مثلاً ما مشاهده می‌کنیم که در زیر نظامهای مختلف مثل پیام نور، دانشگاه جامع علمی کاربردی و حتی دانشگاههای دولتی همه دارند شهریه می‌گیرند و به این سمت آمدند که از دانشجویها درآمدزایی کنند، درحالی که تنها مؤسساتی که وابسته به شهریه هستند مؤسسات غیر دولتی هستند و دانشگاههای دیگر همه بودجه دارند و از این بودجه استفاده می‌کنند و ما داریم هم بودجه دولت را صرف می‌کنیم و هم داریم از این دانشجویها شهریه می‌گیریم و رقیب برای این مؤسسات ایجاد

می‌کنیم و نمی‌گذاریم اینها رشد کنند. یعنی در واقع آن اهداف اولیه را داریم با دست خودمان نابود می‌کنیم و منابع مان را از بین می‌بریم؛ این منابع اگر درست مدیریت شوند منابع دولتی می‌توانند دانشگاه‌های دولتی را که به این نیاز دارند را کمک کنند، پردیس‌های خودگردانی که ایجاد شده است، برای درآمدزایی ایجاد شده‌اند و یک بی‌کیفیتی ایجاد کرده است و اعضای هیأت علمی ما را از جایگاه خودشان دارد خارج می‌کند، وقتشان آنها را تلف می‌کنند به جای اینکه اینها به پژوهش بپردازند. این بحث اقتصاد مقاومتی که مطرح می‌شود بالاخره اصلش به دانشگاه‌های ما برمی‌گردد که باید در حوزه پژوهش کمک کنند و بتوانند پایه‌های اقتصاد مقاومتی را بنیان گذاری کنند و تحکیم کنند. این یک تصویر مختصر و کلی است که می‌توانیم به این زیر نظام غیر دولتی نگاه کنیم و حالا سعی کردیم که در سیاستگذاری‌ها انجام دهیم، یک حمایت کامل از زیر نظام غیر دولتی بود؛ اگر چه این حمایت کامل بیشتر در حرف بوده تا در عمل، چون عمل کردنش بسیار سخت است. تا اینکه بخواهیم برسیم به اینکه این را جامعه عمل ببوشانیم. باید خیلی از مشکلات را زیر پا بگذاریم و حل کنیم از جمله پدیده خود دانشگاه آزاد که واقعاً در نوع خودش پدیده‌ای است. ما در کشور یک سیستم آموزش عالی داشتیم، این سیستم مجوز می‌داد، شورای گسترش داشتیم، دانشگاه آزاد خارج از این سیستم شکل گرفته و خارج از این سیستم رشد یافته و توسعه پیدا کرده است و به هیچ وجه تحت نظارت وزارت علوم و سیستم آموزش عالی ما نیست و نسبت به گذشته حتی لجام گسیخته‌تر است و بزرگترین ضربه‌ای هم که به آموزش عالی غیر دولتی زده شده است از همین دانشگاه آزاد است که به این صورت دارد عمل می‌کنیم. آن سیاست‌هایی که لازم است ما در وزارت علوم پیگیری کنیم تا یک آینده مناسب‌تری را بخش آموزش عالی غیر دولتی متصور شویم: ...توازن بین زیرنظام‌ها ایجاد کنیم، این توازن الان وجود ندارد، مثلاً ما فکر کردیم تا پایان این دوره بتوان تا ۲۵٪ این سهم را افزایش داد که تا حالا این روند به این شدت ادامه پیدا نکرد است و با تغییراتی که در آن زیر نظام‌های دیگر شده است امیدواریم به ریل اصلی خودشان برگردند تا این اتفاق بتواند بیفتد، بحث سطح بندی انجام شده است و این کمک می‌کند تا ما بتوانیم از مؤسساتی که کیفیت دارند را ارتقاء کیفیت بدهیم و حمایت کنیم و این کار را کردیم و از مؤسساتی که کیفیتشان نازل است از فعالیتشان جلوگیری کنیم که این کار را هم انجام دادیم و داریم می‌رویم به این سمت که یک چشم‌اندازی داشته باشیم که این ۳۵۰ مؤسسه کاهش پیدا کند، اولاً از لحاظ تعداد و لحاظ کیفیت ارتقا پیدا کنند. و مؤسساتی که کوچک هستند ادغام شوند و این بحث دارد تجمیع شوند و ما هم سیاست‌های تشویقی می‌گذاریم که این که حتماً انجام شود یک بحثی که من فکر می‌کنم خیلی خوب است که در مورد آینده پژوهی در نظر گرفته شود، بحث تصدی‌گری وزارت علوم است. چون سیاست‌های جاری وزارت علوم این است که ما تصدی‌گری را کاهش دهیم، حالا در بحث نظارتی که شما مطرح کردید در محور اصلی در واقع همین بحث نظارت روی زیر نظام‌ها است. من فکر می‌کردم که شاید یک سناریو پنجمی هم بتوان متصور شد که نظارت به این شکل مستقیم که همه چیز را بخواهیم کنترل کنیم نداشته باشیم؛ یعنی این زیر نظام‌ها به صورت آزاد بتوانند با همدیگر رقابت کنند، فعالیت کنند و آن خروجی‌شان اعتبار سنجی شود. به جای اینکه ما مرتب این فرآیندها را چک کنیم و روی اینها تکیه کنیم.

دکتر مقصود فراستخواه

این نکته اخیر خیلی نکته مهمی است که خود نظارت بخشی از مشکل ما است که هم تصدی‌گری ایجاد می‌کند و هم ناکارآمد است و از طرح سناریو پنجم هم به مراتب سپاسگزاریم.

دکتر علی رضا همتی: عضو هیات علمی و پژوهشگر آینده پژوهی

موضوع آینده نگاری جذب دانشجو در مراکز غیر انتفاعی آموزش عالی کشور محدود به مؤسسات و مراکز غیر انتفاعی آموزش عالی شده است، لیکن متأثر از رویدادها و اقدامات بخش دولتی آموزش عالی است و آینده پژوهی در این خصوص مستقل از توجه و بررسی شرایط بخش دولتی نیست. رخدادهایی مانند شکل‌گیری پردیس‌های خودگردان در کنار واحدهای دانشگاهی دولتی و حتی نزدیک‌تر به آن با شکل‌گیری مفهومی مثل ظرفیت‌های مازاد آموزش عالی دولتی باعث شده است که بخشی از دانشجویان این واحدها



به عنوان شهریه پرداز، هزینه های آموزش خود را پرداخت نمایند. لذا به نظر می رسد عدم قطعیتی مثل دانشگاه آزاد علی رغم نقش و اهمیتش پیش رانی، عدم قطعیت خیلی بالا نباشد.



از سوی دیگر تدوین سناریوهای آینده های بدیل آموزش عالی به دلیل وابستگی آن به انسانها و پیچیدگی مفاهیم انسانی بدون تحلیل عمیق لایه به لایه علت ها در عمق امکان پذیر نیست و علاوه بر سطح عینی و بنیانی این حوزه بایستی به لایه های اجتماعی، جهان بینی و استعاره ها و اسطوره نیز پرداخته شود و با استفاده از پیش تحلیل محیطی، پیش ران های محیطی در هر لایه کشف و مورد بررسی قرار گیرد.

همچنین به لحاظ روشی به نظر می رسد قبل از اینکه به تدوین سناریوها براساس عدم قطعیت بالا بپردازیم بایستی با استفاده از روش های تحلیل تأثیر متقابل، روابط پیش ران ها را نسبت به همدیگر مورد بررسی قرار دهیم و ملاک های اهمیت را برای هر پیش ران براساس تأثیر گذاری و با وابستگی با دیگر پیش ران ها بررسی و تحلیل نماییم.

دکتر ذاکر صالحی: عضو هیات علمی موسسه

با تشکر از ارائه خیلی خوب آقای دکتر گلدسته، ایشان در بخش اول اسلایدهایشان با اتکا به نظرات صرفاً ۲۰ نفر گفتند که تغییرات مدیریتی تأثیری به عنوان پیش ران ندارد یا تأثیرش در ایران خیلی کم است در حالی که آقای دکتر آهون منش می دانند که تغییرات مدیریتی بود که این فاجعه را در غیر دولتی ها ایجاد کرد و سیاست دولت نهم و دهم این شد که پیام نور را به صورت بادکنکی در مقابل دانشگاه آزاد قرار بدهد و این منجر به این شد که قدرت جذب غیر انتفاعی ها به نزدیک صفر کاهش پیدا کرد و آن فاجعه اتفاق افتاد. چطور بوده که آن تغییر مدیریتی بی اثر بوده باشد یا کم باشد؟ در ایران واقعاً event ها حرف اول را می زنند image و trend ها هم مهم اند. باز گفته شده که روندهای جهانی هم بی تأثیر است، بلکه روندهای جهانی با دو یا سه سال تأخیر می آیند ولی چون آمادگی نداریم ضرر می رسانند، ما الان ۳۰ مؤسسه الکترونیکی مجازی داریم، تحول می آید اما سیاستهای مناسب را نداریم، همچنین گفته شده است که مسائل جمعیتی هم تأثیری ندارند و یا تأثیر کمی دارند که من باز فکر می کنم یکی از علل جبری که مشکل جذب دانشجو را در غیر انتفاعی دامن زده است مسئله پیر شدن جمعیت کشور است که در خیلی از نقاط جهان اتفاق افتاده است، از جمله در ایران اتفاق افتاده است و این مسئله هم بسیار تأثیر گذار است در مسئله جذب پذیرش دانشجو. مطالعه های شورای بریتانیا انجام داده است روی جمعیت ۱۸ تا ۲۲ سال و آنجا برآوردی که کردند برای افق ۲۰۲۴ است جمعیت سن ثبت نام است. در سال ۲۰۱۳ در ایران ۷۱۸۴۰۰۰ نفر بود و در سال ۲۰۲۴ و این جمعیت کاهش پیدا می کند به ۵۷۱۰۰۰۰ نفر یک کاهش فوق العاده چشم گیر پیدا می کند. به همین ترتیب ثبت نام که حالا فرمول ثبت نام این است که همین جمعیت سن آموزش عالی را ضربدر نرخ

ناخالص که بکنیم کل ثبت نام برآورد می شود برای افق ۲۰۲۴ که اینها کار کردند تعداد ثبت نام ما سال ۲۰۱۲ برابر اعلام این مؤسسه ۴۴۰۵۰۰ نفر بود (آماري که آن موقع اینها از ۲۰۱۲ ما داشتند) و پیش بینی اینها برای افق ۲۰۲۴ کاهش به ۴۱۸۳۰۰۰ نفر است. این کاهش در ایران دارد رخ می دهد البته برای هند، چین و اندونزی اینها افزایش را برآورد کردند ولی برای خیلی از کشورهای دیگر مثل ایران، اینها این کاهش را برآورد کرده و این نشان می دهد بازار بالقوه جذب دانشجو چه برای انتفاعی و چه برای غیر انتفاعی چه برای دولتی برای همه کاهش پیدا می کند. این کاهش باید عادلانه توزیع شود طبق یک سیاست و تمهیدات مدیریتی. حال در خود غیر انتفاعی ها هم در سطح local و محلی هم عدم تعادل هایی است که ما گزارش هایی تهیه کردیم. اگر بخواهید سناریوهای تان را توسعه دهید که در گام آخر باید سناریوتان را توسعه دهید و پیاده اش کنید و سناریو اجرایی بدهید که من در کار شما ندیدم، اگر بخواهید این کار را بکنید باید بیابید با یک افق دید اجرایی و استانی کار کنید. چون در بخش استانی الان ما حدود ۱۰ درصد دانشجویان ما در غیر انتفاعی ها هستند ولی می بینیم در قزوین این شاخص ۳۳ درصد است و اگر ۴۰٪ هم دانشگاه آزاد باشد دانشجویان دولتی در آنجا در اقلیت است. در مازندران سهم غیر انتفاعی ها از کل دانشجویان ۲۶ درصد است که قابل تأمل است. مازندران حدود ۴۵ مؤسسه غیر انتفاعی دارد. در خراسان رضوی ۱۹٪ در قم ۱۸/۸۰ در گیلان ۱۷/۲۹ و... همه اینها بالای میانگین کشوری هستند، و یکدفعه برای ۲۰ استان دیگر در حد ۱٪ یا ۲٪ افت پیدا می کند... پس یک توزیع نامتوازن را داریم از نظر رشته ای هم ما این توزیع نامتوازن را در جذب داریم. اما نکته جالب اینکه ۵۱٪ دانشجویان غیر انتفاعی ما فنی و مهندسی می خوانند.



این یک فرصت و مزیت عالی برای غیر انتفاعی ها است و با میانگین های دولتی کاملاً متفاوت است. یک تفاوت فاحش است روی این تفاوت می شود کار کرد. می شود تقویت و یا تضعیف کرد، ۳۳٪ آنها در علوم انسانی درس می خوانند، ۱۳٪ هنر درس می خوانند در حالی که میانگین هنر ۵٪ است، این نشان می دهد که غیر انتفاعی ها از رشته های هنر استقبال کردند این یک فرصتی است که می توانند در زمینه هنر کار کنند و در این زمینه رشد کنند علوم پایه ۱٪ کشاورزی و دامپزشکی ۲٪. تعداد دانشجویان مرد اینها ۵۵٪ و زن ۴۵٪ است. اما همین ۴۵٪ میانگین زن که کمتر از متوسط ملی است در تهران ۵۹/۱ درصد است در فارس ۵۶/۴ درصد در کرمانشاه ۵۴/۳ درصد است اما در قزوین که پیش تاز غیر انتفاعی هاست سهم زنان ۳۰ درصد است. در کارشناسی ۶۳٪، در ارشد ۴/۸٪ در دکتری ۰/۲٪ در کاردانی ۳۲ درصد این آمار مربوط به سال تحصیلی ۹۳ است، این ترکیب عددی مناسب نیست و باید بهبود پیدا کند و تبدیل به یک هرم موزونی شود. وقتی می خواهیم سناریویی را توسعه دهیم باید در سطح ملی هم روی کار کنیم نه اینکه به Title های ذهنی و انتزاعی فقط تکیه کنیم ضمن اینکه از خود غیرانتفاعی ها بپرسیم آنها سناریویی را به ما می گویند اما در مورد ظرفیت پیشنهادهایی را دارند که نیازی به افق ۱۰ سال ندارد. همیشه نمی شود با بازی ریاضی مسائل را حل کرد باید که واقعیت های اجرایی را هم در نظر گرفت. در مورد تنظیم ظرفیت جذب دانشجو غیرانتفاعی ها خودشان ۱۵ راهکار مختلف ارائه داده اند:

۱- می‌گویند توزیع عادلانه، کاهش مراکز شبه دولتی و شبه خصوصی و منظورشان پیام نور، علمی کاربردی و ۲- برگشت آنها به مأموریت اصلی خود، ۳- توجه به نیاز سنجی مناطق، ۴- بومی پذیری پذیرش دانشجو ۵- پذیرش مستقل براساس سوابق تحصیلی، ۶- کنکور مستقل برای غیر انتفاعی‌ها ۷- یکسان سازی نظام پذیرش در کل پیکره نظام آموزش عالی ۸- مجوز پذیرش در مهر وبهمن و یا چند نوبت در طول سال ۹- پیگیری سیاست حذف آزمون که در نتیجه تکمیل ظرفیت و... حذف می‌شود. ۱۰- جلوگیری از شرکت مجدد پذیرفته‌شدگان مرحله اول ۱۱- جلوگیری از شرکت مجدد پذیرفته‌شدگان در کنکور سال بعد حتی برای غیرانتفاعی‌ها ۱۲- اعلام قبولی برای ورودی مهر وبهمن در یک زمان ۱۳- ضریب ریزش مناسب برای تهران و شهرهای پر جمعیت و کم جمعیت یعنی هر شهری ضریب ریزش متفاوتی داشته باشد. ۱۴- هم‌زمان شدن پذیرش با دانشگاه آزاد و علمی و کاربردی ۱۵- تکمیل ظرفیت به صورت یکنواخت و سراسری انجام شود. و..

شاید توجه به این راهکارها ظرف ۶ ماه بتواند یک سناریوی غیر انتزاعی و اجرایی درست کند.

دکتر علی آهون منش: دبیر کل و رئیس شورای مرکز اتحادیه موسسات آموزش عالی غیردولتی

اجازه می‌خواهم تشکر کنم از آقای گلدسته و از مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی که واقعاً زحمت کشیدند؛ به نظرم می‌رسد که برای تحقیق و ارائه تحقیق، یک صاحب باید وجود داشته باشد. من فرض را بر این می‌گذارم که محققین محترم به این نیاز رسیدند که باید این کار را کنند و کردند. ولی فلسفه وجود دانشگاه‌ها در اروپا و آمریکا بر این روال است که شکست اجتماعی را به دانشگاه ارائه بدهند و دانشگاه بتواند با آنها راه حل ارائه دهد و بعد از انقلاب صنعتی دانشگاه‌ها به این دلیل شکل گرفت. بنابراین در اینکه یک کار زیبا و تحقیقاتی توسط محقق ارجمند انجام شده است، در این بحث ندارم، اما بحث این است که اگر شما زحمت کشیدید و از طریق تحقیق، وزارت علوم به جز آقای ابری نیا هیچگونه توجهی به حل مسائل غیر انتفاعی‌ها ندارد، نیاز هیچگونه تمایلی وجود ندارد که این مسأله حل شود وگرنه راه حل‌های متفاوت و کاملاً عملی ارائه شده است وقتی یکی از وزارت محترم اعلام می‌کنند که دانشگاه آزاد مسئله‌اش مربوط به جای دیگری است و حل مشکل دانشگاه آزاد در جای دیگر و توسط شخص دیگری باید تصمیم گیری شود، شما چه انتظار دارید اگر به یک راه حل خوب و مناسب رسیدید و عرضه کردید مورد توجه قرار گیرد؟! تمایلی در وزارت علوم برای این کار وجود ندارد در قریب ۸۵٪ از دانشگاه‌های ما، دانشجویان شهریه پرداز هستند فقط ۱۵٪ دولتی‌ها هستند، راجع به دانشگاه آزاد جایگاه خوبی در این تحقیق داشت ولی برای پیام نور، دانشگاه جامع علمی کاربردی، دانشگاه فرهنگیان و مخصوصاً پردیس‌های دانشگاه‌های دولتی به عنوان یک رقیب اصلاً توجهی نشده بود، الان دانشگاه‌های دولتی با توجه به نامی که دارند، جایگاهشان در آموزش عالی کشور مشخص است. وقتی می‌گوید ۷۰ میلیون یا ۸۰ میلیون بدهید و دکتری بگیرید، قطعاً تعداد زیادی از داوطلبان را جذب خواهد کرد و این در آینده ممکن است افزایش پیدا کند و باید دیده شود. چشم انداز را که نوشتند و دولت هشتم که رفت و دولت نهم چشم‌انداز را برای اجرا ابلاغ کرد، رئیس محترم اجرایی سیستم اعلام کرد که این قانون را آمریکایی‌ها نوشتند، من قبول ندارم، چطور ممکن است قانونی که مقام معظم رهبری تأیید کردند و برای اجرا ابلاغ کردند یک نفر جرأت همچنین حرفی را داشته باشد و بعد تغییراتی را در آن اعمال کند که آن تغییرات در جهت جدا کردن از چشم انداز تأثیر گذار است و تأثیر شگرفی را ایجاد می‌کند. الان رشد اقتصادی‌مان ۵/۸٪ تعیین کردیم که محال است به آن برسیم، ولی ما هدف را ۵/۸٪ گذاشتیم شاید بتوانیم آن دو دوره، ۸ ساله را جبران کنیم.





ما چیزی که می‌خواهیم عدالت اجتماعی و عدالت آموزشی است. همین الان که نشان دادند با توجه به کاهش جمعیت ورودی دانشگاه‌ها کم شده است.... همین الان هم جایگاه خوبی وجود دارد اگر یک رقابت سالم و بر مبنای عدالت وجود داشته باشد. وقتی شما در دانشگاه آزاد اعلام می‌کنید که با دیپلم ادبی، ریاضی، تجربی می‌توانید در هر رشته‌ای که بخواهید ثبت نام کنید و چگونه امکان دارد که دانشگاه‌های غیر انتفاعی که ۸۰٪ دوره‌های کاردانی را که به اینها دارند می‌دهند برای اینکه صدایشان به جایی نمی‌رسد، ۸۰٪ دوره‌هایشان فقط کاردانی است... وقتی عدالتی وجود ندارد من می‌پذیرم که دانشجو کم شده است ولی وقتی تعداد ظرفیت دانشگاه آزاد اضافه شده است....

دکتر کاوس حیدری: عضو هیات علمی دانشکده علوم پایه دانشگاه علم و فرهنگ

مطالبی که می‌خواهم عرض کنم عمدتاً ناظر به مباحث تسهیل‌گری است و نه مباحث محتوایی. یکی از مباحثی که آینده پژوهی دارد و ترکیب و روشی را که استفاده می‌کند یکی از روشهایی که استفاده می‌کند ترکیب دانش Modify شده و دانش ضمنی است، در حقیقت در فرایند پروژه باید به این مسئله و انتخاب موضوع توجه داشت. ما برای بحث ابتدا به دانش‌های مدرن تکیه می‌کنیم، مکتوباتی که در این حوزه است، چشم اندازه‌ها، مأموریت، اهداف و اسناد و توصیفی از وضعیت موجود، بازیگرانی که هستند و زمینه‌های که در آن قرار گرفتیم و... خود آموزش عالی قطعاً چالش‌هایی دارد که این بخش را متأثر خواهد کرد، همینطور بحث تراز یابی و دیدن دیگران، و کارکردهایی که در جاهای دیگر دارند و نه در این زمینه... بعد از این ما به یک دسته از عوامل خواهیم رسید که روند تعیین این عوامل قبل از تکمیل این جدول تحلیل است؛ یعنی خود این عوامل و روند انتخابشان و اینکه مشخص شود چه آمادگی بر هم دارند در حقیقت خودش فرایند جداگانه‌ای را نیاز دارد که تعیین شود و از یک میزان به بالا به میزان اهمیت در پروژه بعدی قرار بگیرد، این موارد در حقیقت بخشی ناظر خواهد بود به بحث فاکتورها و برخی به بحث پیشران‌ها ناظر خواهند بود، در حقیقت تکنیک اینها هم نیاز است و باید انجام شود و وقتی انجام شد، باید اینها به عوامل از پیش معین تقسیم شود و بعد مباحث دارای عدم قطعیت. وقتی مباحث دارای عدم قطعیت مشخص شود باید آن موارد دارای عدم قطعیت که بحرانی هستند و با یک ماتریس اهمیت تلاقی پیدا می‌کنند، شناسایی کنیم، وقتی این دسته‌ها مشخص شد القاعده ما باید با یک روش‌هایی همبستگی و همگرایی بین این عامل را احصاء کنیم و بتوانیم با کمک این روش به ابعاد سناریویمان شکل دهیم. القاعده این بازیگر فقط دانشگاه است که فقط فکر کنیم که دانشگاه آزاد بتواند به تنهایی به یک بعد جدی از ماتریس شود. بحث مهم دیگری بحث عرضه و تقاضاست. و نکته دیگر بحث شناسایی ذینفعان که القاعده در

مرحله Skoping رخ می‌دهد و تحلیل ذینفعان در سناریو است، ما این سناریوها را تدوین می‌کنیم تا بتوانیم سیاست‌ها و راهبردهایی را که انتخاب کردیم یا می‌خواهیم انتخاب کنیم در آن فضای سناریو بتوانیم یک روایت باور پذیر بدهیم.

دکتر شاهین همایون آریا: معاون دفتر گسترش و برنامه ریزی آموزش عالی



از زحمات آقای دکتر فراستخواه و آقای گلدسته و سایر عزیزان تشکر می‌کنم، یک سؤال برای من مطرح است که ما رویکرد حمایتی از این مؤسسات غیر دولتی را به عنوان یکی از موضوعات اصلی وزارت علوم که این مؤسسات را تأسیس کرده است در دستور کار خودمان گذاشتیم، ولی حمایت به منزله این نیست که ما اینها را با هر شرایطی بگوییم باید بقا پیدا کنند و ادامه فعالیت دهند، شاید اگر ما بتوانیم بستر مناسبی را برای اینها ایجاد کنیم که اینها بتوانند با حداقل آسیب هم برای اعضای هیأت مؤسس، ... هم منطقه بتوانند در آن فضا برگردند برای آن چه دارید... اینها راه بازگشتی ندارند با توجه به توسعه اینها که توسعه بی رویه‌ای بوده است. ... این توسعه بی‌رویه که نباید تا ابد ادامه پیدا کند، یک جایی این تعداد ۳۵۰ تا باید به ۱۵۰ یا ۱۰۰ برسد، این را چگونه باید انجام داد که ان مؤسساتی که کیفی تر هستند باقی بمانند یا نه همان کاری را که ما در بخش دولتی داریم انجام می‌دهیم. دانشگاه‌هایی که تازه تأسیس و کوچکتر هستند را ذیل دانشگاه‌های بزرگتر می‌بریم و مسئولیت آموزش‌ها و پژوهش‌های کیفی را به دانشگاه‌های مادر می‌دهیم و از آنها می‌خواهیم زیر نظر دانشگاه‌های مادر کار کنند، شاید در غیر دولتی‌ها هم بشود این کار را بکنند. در خود این مؤسسات هم متأسفانه اتفاق نظر وجود ندارد... اینها تنها راهکاری که برایشان باقی مانده است این است که چطور ما بیایم رشته بگیریم. این رشته گرفتن به مسائلی که وجود دارد دامن می‌زند... تعداد صندلی‌ها زیاد می‌شود دانشجویها در سطح مؤسسات توزیع می‌شود... این یک بخش است و دیروز در جلسه شورای گسترش آقای دکتر خدایی یک سری آمارها را داشتند می‌دادند... آنجا بحث این بود که در همه دنیا زیر نظام هایشان دارند فعالیت می‌کنند، ولی آیا همه آنها را دولت دارد حمایت می‌کند؛ دولت موظف است که روی اینها تصدی داشته باشد... نه اینطوری نیست یک سری دانشگاه‌های خاص هستند که دارند به صورت کیفی و خیلی خوب کار می‌کنند و بار اصلی و کیفی آموزش عالی را آنها دارند به دوش می‌کشند آماری که دکتر خدایی دادند همین امسال ما ۱۲۰۰۰ ظرفیت در دکترا داشتیم که ۱۰۲۸۱ نفر پذیرفته شدند که ۸۴٪ فارغ التحصیل دانشگاه دولتی بودند.

بنابراین بار آموزش عالی ما روی دوش این دانشگاه‌هاست، اگر آموزش عالی ما در بعد بین‌المللی حرفی برای گفتن داشته باشد باید اینها پیش رو باشند مؤسسات هم دارند فعالیت می‌کنند آیا وزارت علوم باید اینها را حمایت کند؟ هم مؤسسات غیر دولتی، هم آزاد و هم پیام نور با یک سری مسائلی سیاسی گره خورده است.

خودشان مایلند بعضی واحدهایشان را جمع کنند، اما به دلیل یک سری مسائل این کار را نمی کنند. بنابراین من پیشنهادم این است که در یک سناریو پنجمی بحث حمایت از این نوع بینیم که چه طوری می شود این مؤسسات را که متقاضی هستند با یک فرایند راهکارهایی بتوانیم به حداقل برسانیم به طوری که آسیبی که به اینها می رسد حداقلی باشد.

ما نمی خواهیم محو شود می خواهیم خودشان به صورت داوطلبانه همانطور که داوطلبانه ایجاد شده اند، بگویند ما سرمایه گذاری کردیم و سرمایه گذاری شان محفوظ بماند. .. این ما باید به عنوان یک راهکار باید دید.

دکتر فاطمه اسدی: عضو هیات علمی وزارت علوم

توسعه مؤسسات غیر دولتی و غیر انتفاعی بی رویه و نامتوازن بود، برای اثباتش هم اینکه در استان مازندران بیش از ۱۴۵ مؤسسه داریم و در استان بوشهر ۲ مؤسسه... توسعه نامتوازن فقط در تعداد مؤسسات نبود بلکه در رشته هایی هم که ایجاد شده این اتفاق افتاده است. ۵ سال پیش رشته های ایجاد شده در دفترچه کنکور را جمع آوری کردیم در مقطع کاردانی یک چهارم رشته محل ها حسابداری بود که احتمال می دهیم نیازسنجی در این زمینه صورت نگرفته بود و همینطور برنامه هایی که ما داشتیم در اجرا موفق نشدیم به تحقق برسانیم. برای مثال برنامه چهارم توسعه رشد دانشگاه پیام نور ۲ برابر پیش بینی بود که در برنامه شده بود، در صورتی که مؤسسات غیر انتفاعی توانستند به نصف اهدافش برسند، ما امروز وضعیتی هستیم که بیش از ۱۰۰ مؤسسه زیر نقطه سر به سر هزینه هایشان مشغول فعالیتند و این باعث کاهش کیفیت و آسیب به نظام آموزش عالی می شود. دو رویکرد می توانیم داشته باشیم یکی اینکه مثل سابق برنامه... داشته باشیم و این مؤسسات را به امان خدا رها نکنیم. اگر با چنین دیدگاهی پیش رویم مسلماً باعث می شویم که این ذهن به وجود بیاید که در کشور ما تحقق اصل ۴۴ امکان پذیر نیست و افراد حکومتی دنبال اینکه بخش خصوصی بتواند جان بگیرد نیست، دیگر اینکه باعث می شویم یک ظرفیتی که ایجاد شده، مؤسساتی که تأسیس شدند نیروهایی که به کارگرفته شدند و اعضای هیأت علمی دچار بیکاری و مشکلات اجتماعی شوند و همچنین مؤسساتی که زیر نقطه سر به سر فعالیت می کنند اگر جمع شوند یک عده ای قربانی می شوند.

دفتر ما یک پیش بینی هایی کرده یکی جذب دانشجویان خارجی با هدف افزایش تقاضا برای آموزش عالی غیر دولتی، ایجاد شهرک های دانشگاهی با هدف کاهش هزینه های مؤسسات با توزیع ریشه ها با هدف توجیه اقتصادی داشتن برای مؤسسات و همکاری هایی که در هر منطقه مؤسسات با هم داشته باشند، برای اینکه این آسیب ها را به حداقل برسانیم.

دکتر کارن ابری نیا

دو جور مسأله می توان نگاه کرد، یکی اینکه ما در یک وضع آشفته ای قرار داریم و دانشگاه آزاد را هم نمی توان تحت نظارت قرار داد، غیر دولتی ها هم که با کاهش دانشجو مواجه هستند، دانشگاه های دولتی هم که پول ندارند و دارند پردیس درست می کنند بنابراین ما هیچ کاری نمی توانیم بکنیم در یک نگاه هم اینکه این کشور ماست، این آموزش عالی متعلق به ماست و ما واقعاً اگر دلسوز مملکتیم و در این جا زندگی می کنیم. باید نسبت به این موضوع ها با یک وجدان کاری خیلی قوی برخورد کنیم و دلسوزانه جلو برویم فارغ از هر دیدگاه سیاسی. من معتقدم اگر کسی راجع به این موضوع خوب فکر کند یکی از روش های موفقیت این است که ما بخش غیر دولتی را حمایت کنیم و باعث می شود که هزینه کاهش پیدا کند. در واقع اقتصاد مقاومتی یک پایه اش بخش خصوصی است که در همه بخش ها است، در آموزش عالی هم بخش خصوصی، بخش غیر دولتی است من فکر می کنم این روندها باید ادامه پیدا کند.



معصومه قارون: معاون اجرایی موسسه

در سناریونویسی و آینده پژوهی یکی از موضوعات مهم، شناخت درست وضعیت حال است در این شناخت وضعیت حال من احساس می‌کنم یک بعد بسیار مهم مغفول مانده است و آن مسال حقوقی این دانشگاه‌هاست. این دانشگاه‌ها بزرگترین معضلی که دارند در تعریف غیر دولتی شان است. به هیچ وجه من دانشگاه‌های غیر انتفاعی را غیر دولتی نمی‌دانم برای اینها باید قواعد بازی درست تعریف شود و نمایاننده این وضعیت همان سهمی که رشته‌ها دارند، شما اگر توجه بفرمایید به سهمی که فنی مهندسی دارد- رشته‌هایی مثل هنر و حسابداری دارد اینها نشان می‌دهد که ذینفعان و مشتریان دارند اقتصادی و عقلایی رفتار می‌کنند، بازار کار را دارد می‌بیند بر اساس آن به جای اینکه از جیب خودش هزینه کند سعی می‌کند در رشته‌ای سرمایه‌گذاری کند که بیشترین بازدهی را داشته باشد پس طرف ما دارد طبق قواعد یک مشتری و بازار غیر دولتی عمل می‌کند. چرا اجازه نمی‌دهیم که عرضه کننده هم بیاید در یک بازار آزاد بازی بکند و قواعد را درست برایش تعریف کنیم. دانشگاه غیر انتفاعی ما فقط آن هم به طور ناقص اگر بگوییم که مالکیت غیر دولتی دارد که به یک تعبیری من حتی آن را هم نمی‌بینم. کدام دانشگاه غیر انتفاعی ما روی تعیین شهریه‌هایش می‌تواند مانور دهد، پس مدیریت منابعی هم ندارد، مالکیت غیر دولتی هم ندارد، مدیریتش که اصلاً غیر دولتی نیست این دو قاعده مهم بازی است بعد در پذیرش و در وردی‌هایش چه کنترلی دارد؟ چگونه می‌تواند آن قدرت مانور را داشته باشد که از آن آسیب‌ها در امان بماند؟



اگر قواعد بازی درست رعایت شود بهترین حمایت از دانشگاه‌های غیر انتفاعی همین خواهد بود. در برنامه ششم، ما داشتیم صحبت از برنامه ششم می‌کردیم چگونه راهکار و ... که حکم در برنامه بگذاریم که وزارت علوم اجازه داشته باشد که بعضی از واحدها را تجمیع کند، در آن جلسه نماینده دانشگاه آزاد گفت ما تصمیم گرفتیم و تمام شد و واحدهای دانشگاه آزاد از ۳۰۰۰ تا به ۵۰۰ تقلیل پیدا کند، همین چابکی به رقیب قدر اجازه بقا می‌دهد. اگر ما همین قواعد چابکی را برای رقیب کوچک تعریف کنیم، همه چیز درست می‌شود.

دکتر علیرضا اسدی: پژوهشگر آینده پژوهی

به نظر می‌آید در این ابعاد سناریویی که در واقع نگاشته شده و نکاتی که عزیزان در این جلسه اشاره کردند و تأکید بر یک بعد اضافه شدن، نشان می‌دهد که شاید ابعاد سناریو به غنای کافی نمی‌رسد، اگر غنی باشد تمام رویدادها را در دل خود می‌گنجاند. من فکر می‌کنم شاید شما خیلی در محیط آموزش عالی در بخش پیشران‌ها گشتید، اگر می‌دیدیم که محیط نهادی چه تغییری دارد می‌کند در حوزه آموزش عالی این محیط نهادی که قواعد بازی را تعریف می‌کند اگر در آموزش عالی از مازاد تقاضا به مازاد عرضه رسیده است آن نحوه Regularity دولت در مازاد تقاضا بوده، در میزان عرضه که عرضه آموزش عالی زیادتز از تقاضایش است نحوه regularity قاعدتاً باید تغییر پیدا کند، شاید مهمترین عدم قطعیت اینجاست که محیط نهادی را نشان می‌دهد و فکر می‌کنم شاید اگر این را وارد ابعاد سناریو بکنیم بخصوص بعد افقی سناریو بخصوص انتخاب بازیگران... ما در سناریو بیشتر روی محیط انتخاب بازیگران بحث می‌کنیم به نظرم می‌آید که می‌توانیم این را اصلاح کنیم.



نکته دیگر اینکه خیلی اکتفا نکردن روی عددهای کمی، یعنی کشف منطق رویدادها مهم است. یعنی نگاه پژوهشگران در حین تحقیق خیلی Pasire بود و روابط علت و معلولی که بین وقایع وجود دارد و کشف مکانیزم منطقی بین این سیستمی که در حال تغییر است خیلی می تواند کمک کند، شاید اگر ابعاد سناریو اصلاح شود شاید غنی تر شود.

دکتر احسان جمالی: معاون فنی و آماری سازمان سنجش آموزش کشور

من یک سؤال دارم آیا این کار تمام شده است یا تازه شروع کار است؟ بحث این است که فقط دانشگاه آزاد نیست، ولی یکی از مسائل خیلی حاد است ولی سایر حوزه ها هم دچار مشکلات خاص خود هستند، دانشگاه آزاد یک طیف و در بحث دانشگاه های دیگر که تابع وزارت علوم هم هستند، ۱۰ تا ۱۲ درصد پذیرش به روزانه ها اختصاص پیدا می کند که دولت دارد پولش را می دهد. پیام نور، علمی کاربردی ها، شبانه ها، پردیس های غیر انتفاعی مجازی و بین المللی و ... از آن طرف شیوه های پذیرش - آموزشی، آموزش - پژوهشی و ... استعداد درخشان و ... یک دفعه ظرفیت پیام نور را دو برابر می کنیم، هیچ استراتژی در پی گسترش آموزش عالی در هیچکدام از ابعادش وجود ندارد، باید واکاوی بکنیم که کجا اشتباه کردیم این اشتباهات در گذشته کجا بود که الان در آینده می خواهیم به کجا برسیم.



فقط خود دانشگاه آزاد نیست بلکه باید در خود اینها هم کند وکاو کنیم • دولتی‌ها مشکل مالی دارند و قدرتشان هم بالاست. رئیس دانشگاه تهران وقتی مجوز می‌خواهد شاید در یک یا دو ماه بگیرد، قدرت در بحث داخلی ما بسیار تاثیرگذار است پیام نور برای تکمیل ظرفیتش در یک روز مجوز گرفت، ما فقط آزمون سراسری را در غیر انتفاعی‌ها نداریم. در یک جایی در یک زمانی که بستر مناسبی برای غیر انتفاعی‌ها بود و آموزش عالی کمکشان کرده بود، فنی حرفه ای‌ها بود، دانشگاه فنی و حرفه‌ای را رشد دادیم، دوره روزانه، دوره شبانه، نیم سال اول و نیم سال دوم هم به آن دادیم و... دیروز من یک مصاحبه‌ای دیدم که می‌خواهد کارشناسی پیوسته بگیرد او هم می‌خواهد وارد این حیطه در آینده شود... یعنی این سهم برای همه جذاب است.

یک نگاهی باید به سیاست‌های وزارت علوم کنیم، باید ببینیم اسناد بالادستی چه دارند می‌گویند، داریم به دانشگاه‌ها اجازه می‌دهیم که پردیس‌های دانشگاهی ایجاد کنند. به یک سری عوامل بنیادی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بالاخص سیاسی... اینها هستند که راهبرد آینده را مشخص می‌کنند، باید به اینها توجه شود و در آخر سناریوهایی که دارد بسته می‌شود و باید در هر کدام از جزئیات آن چه در بحث جذب دانشجو چه در بحث سهم این مؤسسات چه در بحث گسترش و تجمیع ... باید ببینیم آنجا چه سناریوهایی دارند و چه تضمینی وجود دارد که اینها در آخر اجرایی شود.

دکتر اسماعیل رحیمی: پژوهشگر آینده پژوهی

علاوه بر منطق gbn و منطق پیتروشواتس می‌شود راهی به این سو برای رویارویی با عدم قطعیت را داشته باشیم، تحت عنوان سناریو Network mapping که شبکه‌ای از سناریوها که امروزی‌تر است و قدری به رویدادها و عدم قطعیتها نگاه دقیق‌تری دارد. ما در آینده‌پژوهی می‌گوییم نگاه حال و انتگرال داشته باشیم، یکپارچه‌نگر و کل نگر، اما بهتر است که منطق تدوین سناریو مثل منطق افلاطونی از بالا به پایین نباشد که وقتی سیاستگذاری می‌کنیم از بالا به پایین باشد و تکلیف جامعه روشن نشده باشد. درباره غیرانتفاعی‌ها پرسش مهمی وجود دارد آیا این غیر انتفاعی‌ها اگر بخواهیم چشم انداز جدیدی را هم مطرح کنیم، چشم انداز قدرت، زبان شناسی،... در گفتمان قدرت شکل گرفته‌اند؟ یا در گفتمان جامعه؟ تصور من این است که بیشتر غیر انتفاعی‌ها در گفتمان قدرت شکل گرفته‌اند. آیا این غیر انتفاعی‌ها مشکل خودشان و قدرتی دارند حل می‌کنند یا مشکل جامعه را؟ در مورد پردیس‌ها اشاره درستی کردید، پردیس‌ها هم به عنوان رقیب و هم به عنوان بازیگر جدید شروع به جذب کردند، پردیس‌ها خودشان عدم قطعیت هستند، در آینده پژوهی تکنیک نباید بر Prosess مفهوم غلبه کند، تکنیک باید در خدمت مفهوم و فرایند و چشم‌انداز باشد و چشم

انداز در خدمت نیازهای ما. بنابراین روی این هم می تواند کار کرد و اینکه این سناریو توسعه چه کسانی تدوین می شود. نمایندگان طرز تفکر جامعه یا طبق تفکر الیگارش.



نظریه ساختار کارگزار می گوید تغییرات مدیریتی مهم است چون اثر می گذارد. از ساختار اثر می گیرد و برساختار اثر می گذارد، به ویژه در جهان امروز که تغییرات شتابان است و روندها زودتر از ۲ یا ۳ سال دارد کشور می شوند چون هویتای نو ظهور زودتر از دولتها با بیرون ارتباط برقرار می کنند بنابراین به این تغییرات مدیریتی می توان توجه جدی داشت.

دانشگاه های اروپایی و آمریکایی از رویدادها جلوتر هستند و بنابراین نیاز است که دانشگاه های غیر انتفاعی و حتی وزارت علوم خیلی جلوتر از رویدادها باشند و به فکر سرمایه اجتماعی هم باشند. وقتی ما در چارچوب فکر می کنیم، رویدادها خارج از چارچوب و غیر رسمی ما را غافلگیر می کند، چون دانش صرفاً در چارچوب نمی تواند در مورد رویدادهای خارج از چارچوب فکر کند برنامه ساده در Prosess پیچیده محکوم به تک بعدی نگری و شکست است، وقتی محیط پیچیده است وقتی ساختار پیچیده است و خودش نوآوری ایجاد می کند و بخش خصوصی در حال رشد کردن است تفکر انتفاعی و دولتی صرفاً باید رشد کند. با توجه به پیچیدگی موضوعات و پیچیدگی کشور و پیچیدگی رویدادهای امروزی فکر می کنم قضاوت در مورد غیر انتفاعی را قدری به تأخیر بیندازیم.